



در این شماره میخوانیم

چپ راستی تا راست چپکی
دانشجو نسل ۳

گفت و گو با دانشجوی پزشکی مشکوک به کرونا

رویین تنان

بررسی فیلم سینمایی خروج

آرامش ذهن

تشابه یا تساوی در حقوق بین زن و مرد

معرفی کتاب آیین زندگی

تو مستی خاک و چندین تغیر
تفکر کن، مکن چندین تکبر
«عطار نیشابوری»

سخن سردبیر

مدیر مسئول:

عبدالحسین جهانبخش

سردبیر:

لقمان فتحی

هیئت تحریریه:

مرتضی حسینی

عبدالحسین جهانبخش

نگار یوسفی

آیدا اصلانی

فاطمه سلیمانی

هادی اسماعیلی

ندا ولوی

فاطمه زارع

فروغ انصاری نیک

ویراستار: فاطمه سلیمانی

طراح:

عباس دلباز

پرستاری ۹۸

ما انقلاب ۵۷ را ندیده ایم؛ اما آنقدر ها هم با آرمان ها و مسیر انقلاب و چالش های جامعه بیگانه نیستیم؛ به طور حتم گذر از چالش های سال ۹۸ گواهی بر این ادعا ست.

حقیقت امر این است که قشر جوان و دانشجو، برای حفظ دستاورد های انقلاب، موظف به مقاومتی فرهنگی است و برای تعالی جامعه نیاز به رویکردی دارد که حاکی از پرسشگری، حقیقت جویی و دغدغه مندی ست؛ نه مشیی خنثی، واپس گرایانه و هنجار شکنانه.

زین سبب برآنیم که گاهنامه ای از جنس نگاه را تقدیم نگاه شما دانشجویان کنیم تا ضمن دفاع از اندیشه و گفتگو در دانشگاه، پیگیر ضعف ها، مشکلات و دغدغه های دانشجویان باشیم.

در نهایت از تمامی عزیزانی که مارا در گردآوری گاهنامه دانشجویی نگاه یاری نمودند، قدردانی میکنیم.

لقمان فتحی

ارتباط با ما

mostaghel_yums

چپ راستی تا راست چپکی



می گویند که پس از انقلاب فرانسه، نمایندگان مجلس به دو گروه فکری تقسیم شدند. یک گروه از اشراف و گروهی از طبقات پایین. نمایندگان طبقات پایین که بیشتر رویکرد عدالت خواهانه داشتند،

دانشجو نسل ۳



سیر سلوک! دانشگاه را به سه قسمت تقسیم می کنند، دانشگاه های "نسل یک"؛ که مبنای آن آموزش صرف بود و در واقع یک سری مبنای تئوریک را در اختیار دانشجو قرار می داد، اما باید دانست

گفت وگو با دانشجوی پزشکی مشکوک به کرونا

هیچ وقت فکر می کردید مشکوک بودن به کرونا دلیل شهرت شما شود؟ فکر می کنید الان بیشتر بواسطه نامتان شناخته شده هستید یا مشکوک شدنتان به بیماری جنجالی کرونا؟!

دستان آسمانی



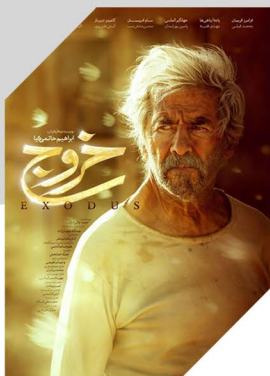
۱۷ ساعتی می شد که چیزی نخورده بود و گلوئی تازه نکرده بود. میدانستم چرا مصوری میکند، در دلش میگفت: ...

رویین تنان



در حالیکه انتظار داندو فصل آخر سریال "Immortal men" را می کشیدم، سرعت اینترنت بطرز فجیعی کاهش یافت..

نقد و بررسی فیلم سینمایی



برای کسانی که سینمای ایران را بصورت جدی دنبال کنند، "خروج" ارزش تماشا کردن را دارد. "خروج" اولین فیلمی ست که بخاطر تعطیلات غیر منتظره کرونا، مجبور به پخش در شبکه ی خانگی شد. ..

تشابه یاتساوی در حقوق بین زن و مرد؟



"تشابه نه وتساوی آری!" از نظر اسلام و سایر ادیان زن و مرد به دلیل اینکه یکی زن است و دیگری مرد، از جهات با یکدیگر تفاوت دارند، ...

معرفی کتاب آیین زندگی

برای پولدار شدن چه باید کرد؟!

درآمد: هیچگاه روی یک درآمد تکیه نکنید، برای ایجاد منبع دوم درآمد سرمایه گذاری کنید.

خرج: اگر چیزهایی را بخرید که نیاز ندارید، بزودی مجبور خواهید شد چیزهایی را بفروشید که به آنها نیاز دارید.



در این شماره
می خوانید.....



امام حسن مجتبی (علیه السلام)
از راه عقل و اندیشم دنیا و آخرت به دست می آید....

چپ راستکی تا راست چپکی...

مرتضی حسینی
هوشبری ۹۶

می گویند که پس از انقلاب فرانسه، نمایندگان مجلس به دو گروه فکری تقسیم شدند. یک گروه از اشراف و گروهی از طبقات پایین. نمایندگان طبقات پایین که بیشتر رویکرد عدالت خواهانه داشتند، روی صندلی های سمت چپ رئیس مجلس می نشستند و نماینده های گروه مقابل روی صندلی های سمت راست. این نحوه ی نشستن ها و تقابل های این دو گروه باهم، حالا پس از سال ها در ادبیات سیاسی معنا و مفهوم پیدا کرده است. جناح چپ سیاسی به گروه های عدالت خواه طبقات فرو دست معنا می شود. جناح راست سیاسی هم به گروه های محافظه کار و مدافع سرمایه داری تعبیر می شود. در ایران قبل از انقلاب اما، چپ و راست محلی از اعراب نداشت هر چه بود و نبود باید در حزب ((رستخیز)) گنجانده می شد، حزبی که محمدرضا پهلوی پس از تاسیس آن گفته بود: «هر کس نمی خواهد در این حزب عضو شود، می تواند از ایران برود.» پس از انقلاب، زمان دقیقی برای مصطلح شدن چپ و راست نمی توان تخمین زد، اما پیشتر سابقه ی آن، به پس از تابستان ۱۳۶۰ و تصویب قانون کار برمی گردد. «رجوع کنید به کتاب جریان شناسی سیاسی. علی داری»

اصلاح طلبان



در ایران، چیزی که مهم تر از ریشه های شکل گیری این دو حزب بود، تفاوت معنا و مفهوم چپ و راست در ایران با سراسر جهان بود؛ چپ گرایانی از جنس اصلاح طلبی و راست گرایانی متشکل از اصول گرایان.

به راستی، کجای دنیا می توانید چپی را پیدا کنید که تمام تلاشش رونق بازار آزاد و مناسبات نظام سرمایه داری باشد و خروجی کار او هم، شکل گیری طبقه ی اشراف ثروتمند (بخوانید فئودال ها) باشد؟! در هر صورت، موضوعی که دارای اهمیت می باشد این ست که این دو جریان فکری توانسته اند سپهر سیاسی کشور را، به ویژه در بیست و دو سال اخیر، به دست گیرند. مردم اما، از این دو گانه در حال گذرند. چرا که ماهیت کذب این دو گانه بیش از پیش برای شان

روشن شده است. در واقع، مردم دریافته اند که اینان شاید در برخی شعارها و ژست هایشان متفاوت باشند، اما در وادی عمل کاملاً مشابه یکدیگر اند. مردم ما اکنون از این حقیقت آگاه اند که این دو خط فکری ادر رسانه ها با هم در جدال و نبرد اند، اما در مناسبات اقتصادی و بعضاً خانوادگی، رفیق گرمابه و گلستان اند. ظاهر قضیه این گونه می نماید که این دو باهم اختلاف مبنایی دارند، اما در حیف و میل کردن بیت المال، گوی سبقت را از یکدیگر ربوده اند. مردم از این دو گانه گذشتند، آن روز که فرزندان چپ و راستی را، باهم، در آمریکا و اروپا دیدند، آن روز که در دادگاه مبارزه با مفاسد، در ردیف اول همین ریشو ها و فکلی ها را با خدم و حشم شان دیدند. مردم ژن خوب را هم دیدند و گذشتند. کاخ های سر به فلک کشیده ی سیاسیون و مناسبات سیاسی مضحک بین شان را، اما باز هم گذشتند. مردم خیلی وقت ست که گذشته اند، اما سیاسیون نمی خواهند بگذرند، چون نانشان و نامشان در وجود این دو گانه هاست. خوشبختانه حضور جوانان مخلص، بانگیزه، مومن و انقلابی عدالت خواه و تبدیل شدن شان به عناصر اثرگذار بر روند تحولات سیاسی، اجتماعی و گذر از این دو گانه های کاذب، خود شاهی بر این مدعاست و چراغ راهی ست به سمت آینده ای روشن برای این مرز و بوم.





دانشجو نسل سه خوب می داند چگونه از تکنولوژی بهره کافی را ببرد؛ برای همین ست که حتی لحظه ای، خود را درگیر حوادث جنجالی شبکه های مجازی اینستاگرام، توئیتر و .. نمی کند.

دانشجو نسل سه موجودی رشد یافته ست؛ برای همین است که درک خوبی از انسان های اطراف و شرایط موجود دارد، همین موضوع باعث می شود تا چالش مسیر علمی اش را براساس اقتضای جامعه قرار دهد نه فشار های اجتماعی و مد روز.

دانشجو نسل سه multi task است

و یک هشت پای به تمام معناست. او می خواهد که لحظه لحظه ی جوانی اش را صرف آزمون و خطا و در نهایت کسب تجربه بکند تا! به هر شکلی که هست، خود را آب دیده تر کند!

این دانشجوی خارق العاده دوست دارد همواره مفید باشد؛ برای همین ست که اغلب برای رفاه حال اطرافیان، خودش را به آب و آتش می زند!

دانشجو نسل سه، علم را ارزش می داند

و هیچگاه خود را پشت مدرکش پنهان نمی کند. برای تحلیل و بررسی مناسبات علمی دید بوروکراسی ندارد و چیزی که برای او حائز اهمیت ست میزان تاثیر گذاری ست.

نخبگی برای دانشجوی نسل سه کسب رتبه تک رقمی و نمره الف شدن نیست! نخبگی برای این دانشجوی تعریف متفاوتی دارد، نخبگی برای او یعنی "موثر بودن".

این دانشجوی در میدان نبرد تک نفره عمل نخواهد کرد، همدلی با اعضای گروه را سرلوحه ی آموزش قرار می دهد، گویی از منظر این دانشجوی موفقیت گروهی، شیرین تر و دلچسب تر ست.

دانشجو نسل سه علم را ارزش میداند، برای همین ست که در نظرش پول و موقعیت شغلی، بهتر هیچ گاه آنقدر که باید دلربایی نمی کنند!

سیر سلوک! دانشگاه را به سه قسمت تقسیم می کنند، دانشگاه های "نسل یک": که مبنای آن آموزش صرف بود و در واقع یک سری مبنای تئوریک را در اختیار دانشجوی قرار می داد، اما باید دانست که در مسیر درک کردن، درست ست که آموزش لازم است، اما کافی نیست. کمی که گذشت، حرف هایی که به میان می آمد حاکی از رویکردهای نوینی بود که توسط دانشگاه های "نسل دو" اتخاذ شده بودند. در واقع رویکرد این قبیل دانشگاه ها، پرورش هنر پژوهش بود به همین علت بود که پژوهش برای آنها نوعی ارزش تلقی می شد؛ ارزشی که دانشجوی را به تکاپو و گذر از مرز های علم و دانش فرامی خواند.

در حالی که انتظار می رفت کوشش برای رسیدن به این اهداف متعالی موجب درخشش دوچندان این دانشگاه ها شود، اما به دلیل قدم نهادن در مسیر نادرست، پیشگامان نسل دو هم از دستیابی به اهداف خود باز ماندند. گویی در نهایت همگی آن ها به نوعی پوچ گرایی روی آوردند و هر چه گشتند نتوانستند در اذهان کوچک خود آینده ای برای پژوهش های خود پیدا کنند؛ از این رو بود که تمام آرمان های این گونه دانشگاه ها با جمله مایوس کننده "آخرش که چه؟" تبدیل به رویایی دست نیافتنی شد.

در این زمان بود که سیستم نوظهور "دانشگاه های نسل سه" رویت شد؛ اساس این دانشگاه ها "تولید علم و به کار بستن آن" بود که چندی بعد با تلاش های هدمند آنها، به تولید ثروت نیز منجر شد (برای اطلاعات بیشتر به کتاب های "دانشگاه نسل سوم" و "دانشگاه کار آفرین" مراجعه کنید).

در حال حاضر موضوعی که مورد بحث ماست موجودی ست به نام "دانشجو نسل سه". این موجود نه در دام تهدید های تو خالی نسل های قبل مبنی بر حضور اجباری در دانشگاه برای موفقیت، می افتد و نه بواسطه حرف هایی که پایه و اساسی به جز عیش و نوش واهی ندارند، تن به اهمال کاری میدهد. این دانشجوی دانشگاه را بستری برای تحقق رویاهایش می بیند و بر آن ست تا با استفاده از امکانات و فرصت های فراهم شده بواسطه دانشگاه، درخشش آینده خود را دوچندان کند.

دانشجو نسل سه به دانش موجود اکتفا نمی کند.

خودش را درگیر چگونگی ها و سیر رخداد مسائل میکند، و ترکیب علوم گوناگون و تبدیل آنها به یک خروجی را به کار می بندد تا در نهایت، فرآورده خود را در قالب دانش، فناوری و یا خدمتی جدید به جهانبیان عرضه کند.



گفت و گو با دانشجوی مشکوک به کرونا

نگار یوسفی
تغذیه ۹۷

به نام خدا

گپ و گفت با دانشجوی پزشکی مشکوک به کرونا، محمد مهدی عرب زاده مصاحبه کننده: نگار یوسفی



یکی از قضایای جالبی که برایم اتفاق افتاد این بود که روز آخر وقتی دکتر متخصص ریه سلامتی من را تایید کردند، گفتند که حالت خوب ست و میتوانی مرخص شوی، گفتم: به به! یعنی میتوانم لباس هایم را عوض کنم و بروم؟ گفتند: نه حالا بمان تا رئیس بیمارستان هم ببیند تا معاینه نهایی را انجام دهند و انشالله مرخص شوی.

من هم گفتم: ما که تا حالا ماندیم، دو ساعت دیگر هم می مانیم تا دکتر ببیند. ساعت ۱۲ شد، ناهار به ما دادند، اما باز هم دکتر نیامدند. ساعت پنج شد باز هم دکتر نیامدند. خلاصه پیگیر که به دکتر تلفن کردند و دکتر گفتند که عرب زاده را نگه دارید، من حتما تا ساعت ۷ می آیم. حدود ساعت ۸ تلویزیون را روشن کردند و دیدیم که دکتر در برنامه زنده حضور دارند. در نهایت تا ساعت ۱۲ (شب) منتظر ماندیم تا بالاخره دکتر سلامت من را تایید کردند و پس از ترخیص، به خوابگاه آمدم.

پس از این قضیه، حس تان به کرونا چگونه ست؟

خدا را شکر به خیر گذشت. اگر دانشگاه بازگشایی شود، به خوابگاه بازمی گردی؟

مجبورم و چاره دیگری ندارم. فکر می کنید چند درصد از بچه ها، سلامتی شان را مدیون این سو تفاهم اند؟

حتما صد درصد. بچه ها سلامتشان به خاطر این موضوع دارن. حالا اگه مجسمه یا تندیس من همین مرکز دانشگاه یا اون پشت نه اون پشت کسی نمیره. همین مرکز دانشگاه بزنین راضیم. خدا را شکر. به لطف همین قضیه یک هفته زودتر تعطیل شدیم.

حرف آخر (انتقاد، پیشنهاد)؟

انتقادی ندارم، چون همه چیز خوب بود و تشکر می کنم از همه ی کسانی که پیگیر حالم بودند. ریاست دانشگاه، مدیر دانشجویی دکتر علیپور، معاونت درمان و...

چون میدونستن خونواده ام راه دور هستن پیگیر حالم بودن. دمشون گرم. میگفتن اگه غذا لازم داری تا بیاریم حتی بچه های غیر یاسوجی که تو خوابگاه مونده بودن. دمشون گرم. نداشتن احساس غریبی کنم.

خودت فکر میکردی که بیماریت کرونا باشه یا سرماخوردگی؟

من روز قبل عشق از تهران آمده بودم و تهران هوا بارونی بود یه ساعتی زیر بارون بودم یهو باد اومد از قبل حدس میزدم که سرما بخورم ولی چون خوابگاه وسایل و سرویس بهداشتی و... مشترک بود و ممکن بود

اگر چنین چیزی باشه که ۵۰ نفر از من بگیرن، ترجیح دادم برم بیمارستان. ولی فکرشو نمیکردم فیلمش (فیلم سوار شدن به آمبولانس) اینقدر شر بشه حتی پیج های معاند هم زیاد استفاده کردن از این فیلم.

خانواده چه موقع از موضوع باخبر شدند؟ برای شان عزیز تر شده اید؟

راستش تا دوهفته بعد به خونواده نگفتم. بعد فیلم را به آنها نشان دادم و قضیه رو فهمیدن. نه عزیز تر نشدم 😊. ولی آخرش به چرا زود تر به ما نگفتی خاصی تو چشاشون بود 😊.

فکر می کنید که چه کسی بیشتر از همه در همین بازه ی زمانی کوتاه نگرانان شد؟

بذار پیامم چک کنم تا ببینم کی بیشتر از همه نگران بوده.

نه بذارین جواب ندم 😊. آقای دکتر علی پور مدیر امور دانشجویی خیلی پیگیر بودند، حتی تا چند هفته بعد که من به تهران اومدم هم پیگیرم بودن، همینطور دکتر هدایت خواه استاد اندیشه، دکتر توانا معاونت درمان. همگی به من لطف داشتند.

هیچ وقت فکر می کردید مشکوک بودن به کرونا، دلیل شهرت شما شود؟ فکر می کنید الان بیشتر بواسطه نامتان شناخته شده هستید یا مشکوک شدنتان به بیماری جنجالی کرونا؟

حقیقتا از ابتدا که وارد دانشگاه شدم دوس نداشتم بخاطر چیزی برچسب خاصی بخورم یا بخاطر چیزی معروف بشم بگن مثل اون پسره فلان...! ولی خب آدم میخواد معروف بشه با یه اتفاق خوب معروف بشه. با کرونا؟ نه حقیقتا فکرشو نمیکردم.

فکر می کنید در شهری که ساکن هستید شناخته شده ترید یا یاسوج؟

۷۰ درصد مردم تهران شهردارشان را نمیشناسن، وای فک کنم ۵۰ درصد مردم یاسوج من بشناسن!

در بین دانشجویانی که نزدیکت بودند، این اتفاق چه بازتابی داشت؟

چون خودم نسبت به این موضوع منفی فکر نمی کردم بازتاب منفی هم دریافت نکردم. وقتی به بچه های هم اتاقی گفتم حالم خوب نیست علائمم داشتم، تب و سرفه و گلودرد، گفتن خب زنگ بزنیم آمبولانس. همه ی بچه های همکلاسی فهمیدن خصوصا بچه های یاسوجی.



دستان آسمانی



آیدا اصلانی
رادیولوژی ۹۸

سلام نمازش را که داد، لبخندی حاکی از رضایت بر لبانش نقش بست. جهنم طاقت فرسای بادگیرهای محافظ را با عشق به تن می کرد که مبادا من و تو گرمای تبی را بچشیم. متبحرانه پنهان میکرد التهاب درونش را، رنج های چند روز اخیرش را. زیر لب ذکرهای همیشگی اش را زمزمه میکرد که نگاهش به صفحه ی تلفنش گره خورد. در حال تماس کسی نبود جز همسرش، این یک دم نتوانست برق چشمانش را پنهان کند، به وضوح حس می شد ذوقی که در لحن آرامش بخشش خودنمایی می کرد. صدای همسرش با کلماتی از جنس عشق و اطمینان اندک تشویش درونش را هم خاموش کرد؛ حال تنها چیزی که در درونش شنیده می شد آوای عشق بود که بند بند وجودش را فراگرفته بود.

۱۷ ساعتی می شد که چیزی نخورده بود و گلوپی تازه نکرده بود. می دانستم چرا صبوری می کند، در دلش می گفت: نکند در نبود من مادری باشد که نتوانسته طفل بی قرار و گرسنه خویش را آرام کند؟ می دانم که در این لحظات هر کسی در خاطرش هست جز خودش، تسکین هر دردی ست جز درد خودش.

می دانم که وقتی حال جامعه خاطرش را مکدر می کند، عمیق تر عاشق می شود... در نگاه هایش می شد فهمید این عشق را. در میان رکوع و سجود هایش، چشمانم به رد ماسک روی صورتش افتاد، بنظرم با این زخم ها زیباتر هم شده بود، گویی که صورت هم رنگ سیرتش را به خود گرفته ست، چهره اش خیس عرق بود، عرقی که من و تو دلیل آن بودیم. دستانی که روزی میتوانست اشک دیدگان کودک زمین خورده اش را پاک کند، دستانی که برای مردمش امروز در حصار دستکشی زندانی ست. دستانی که بوی خدا می دهند....

در حالیکه انتظار داندود فصل آخر سریال "Immortal men" را می کشیدم، سرعت اینترنت بطرز فجیعی کاهش یافت. قرار بود در این فصل به تماشای برخورد شهابسنگ با زمین بنشینم؛ اما خب حالا که اینترنتی در کار نیست، بهترست جریان این سریال مهیج را برای تان تعریف کنم.

لوکیشن اصلی این سریال سرزمینی به نام "تامیران" است، از این روست که ساکنان آنجا مردمی سرسخت هستند، بطوریکه هر بلایی که گریبان آنها را میگیرد در نهایت تبدیل به جوک و جان دوباره ای برای آنها می شود.

از نکات روتین و پیش پا افتاده ی این سریال این ست که در تمامی فصول شاهد پدیده هایی کاملاً طبیعی همچون آتش سوزی، سقوط هواپیما، پول شویی و... هستیم. شاید فکر کنید که قرارست با داستان یکنواختی مواجه شوید اما خوشبختانه آنقدر اتفاقات ناگواری رخ میدهد که شرط میندم عاشقش شوید...! مثلاً درمورد فصل یک، با صحنه اغراق آمیزی روبرومی شویم؛ "سوختن کشتی دردل اقیانوس" که بنظر نویسنده در مورد این ساکنان کمی زیاده روی کرده است. اما در فصلی مثل فصل دوم، مردم که طبق معمول با تکه کاغذهایشان موسوم به "پول" مشغول داد و ستد و به قول معروف درآوردن یک تکه نان حلال بودند، شبی به

خواب رفته و وقتی بیدار شدند، متوجه شدند که پولشان کم ارزش ترین تکه کاغذ میان سرزمین های مختلف شده ست که خب در مجموع این فصل با وجود سه برابر شدن بهای اجناس، خیلی چالش برانگیز نبود!

در فصل سه به رسم عادت مردم و مسئولین به خواب رفته و صبح جمعه متوجه تغییرات ناگوار رخ داده میشوند. آنطور که آنونس سریال نشان می داد قرار بود این مردم بوسیله ویروس ناشناخته ای به نام "کرونا" که محصولی اورجینال از بنجل فروشان سرزمین چین بود منقرض شوند اما در کمال ناباوری می بینیم که در انتهای داستان، نه تنها در اثر این ویروس ناشناخته بدون پادزهر از بین نمی روند که با شعار "جهش تولید" جمعیت شان دو برابر هم می شود!

در مجموع وقایع سریال به گونه ای ست که کاری با روح و روان ما می کند که خودمان ریخته و تنها برگ های مان می ماند. در نهایت سوالی که ممکن ست بوجود بیاید این ست که "چطور این حجم از بی خیالی در وجود این مسئولین می گنجد؟" اما خب فراموش نکن که...

تمامی شخصیت ها و حوادث سریال براساس تخیلات ذهن نویسنده ست!



آرامش ذهن

ندا ولوی نسب
پرستاری ۹۶

آرام بمان... اقیانوس دلت را آرام کن تا تالو امواج آرامش را در اطرافت ببینی... با تلاطم و آشفتگی بیگانه شو، تا مبدا خیال همسایگی باتو به سرشان بزند... میبینی؟ این ست رمز زندگانی! "هر چیز که در جستن آنی، آنی" تشنه آرامشی؟... پس ابتدا غوغای درونت را آرام کن....



تشابه یا تساوی در

حقوق بین زن و مرد؟

فاطمه زارع
مامایی ۹۶

تشابه یا تساوی در حقوق بین زن و مرد؟

"تشابه نه و تساوی آری!" از نظر اسلام و سایر ادیان زن و مرد به دلیل اینکه یکی زن است و دیگری مرد، از جهات با یکدیگر تفاوت دارند، از همین روست که در بسیاری از حقوق، تکالیف و مجازات ها وضعیت مشابهی ندارند. این در حالی ست که در دین اسلام و بسیاری از آیات قرآنی، خداوند به برابری زن و مرد از نظر انسانیت اشاره می کند. از منظر الهی، هر یک از زن و مرد، واجد حقوقی برابر با دیگری میباشد؛

همان گونه که ممکن ست پدری ثروت خود را به طور مساوی، میان فرزندان خود تقسیم کند؛ اما ثروتی که به آنها رسیده مشابه نباشد.

در نهضت عجولانه ای که در کمترین زمان اخیر، به نام زن در اروپا صورت گرفت، زن کم و بیش، حقوقی مشابه حقوق مرد پیدا کرد، اما با توجه به طبیعت احتیاجات جسمی و روحی، زن نتوانست حقوق مساوی با مرد پیدا کند؛ زیرا زن اگر می خواست حقوقی مساوی با حقوق مرد داشته باشد، میبایست از هر گونه مشابهت با مرد دوری گزیده و با اصل خلقت خود، زنانگی خود، حقوقش را کسب کند، زیرا که انسانیت ایجاب میکند که میان زن و مرد "اخلاق" و "حقوق" را با هم در نظر بگیریم و از آنجا که دین اسلام مظهر انسانیت ست؛ هر دو مورد اخلاق و حقوق را با هم داراست.

هم اکنون باتکیه بر دین قانون مند اسلام به رفع برخی از شبهات در این موضوع میپردازیم:

۱) چرا در دین اسلام دیه زن نصف دیه مرد است؟

بر اساس مطالعات فقهی و تاریخی، «دیه» یک امر اقتصادی است که به منظور جبران خسارت، تشریع گردیده است از سوی دیگر؛ در جامعه مطلوبی که اسلام در پی تحقق آن است



و مرد نیست و نباید موجب اعتراض و هرگونه اختلافی میان آن ها گردد.

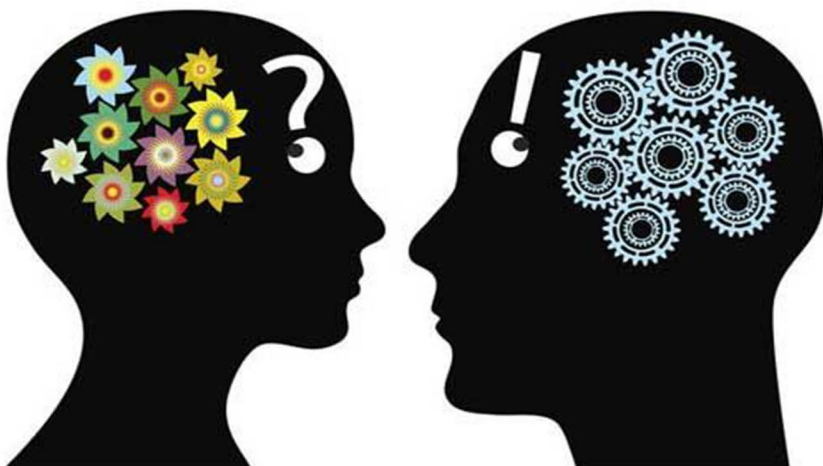
۲) چرا حق الارث زن در اسلام نصف مرد است؟

یکی از علت های بیشتر بودن ارث مرد نسبت به ارث زن آن است که نفقه زن برعهده مرد است؛ یعنی مرد علاوه بر اینکه باید مخارج خود را تأمین کند، موظف است هزینه زندگی زن و فرزندان را هم فراهم آورد. از سوی دیگر، مرد دهنده مهریه و زن گیرنده آن است؛ پس در واقع میتوان ادعا کرد که آنچه زن از ارث و مهریه نصیبش میشود، پس اندازی برای اوست، در حالیکه سهم الارث مرد، صرف مخارج زندگی خود، همسر و فرزندان خواهد شد. علاوه بر این، در شرع تکالیفی برعهده مرد گذاشته شده که نیازمند صرف کردن مال است؛ مانند هزینه هایی که مرد باید در راه جهاد بپردازد و یا جایی که یکی از بستگان، مرتکب قتل یا جرحی شود، مرد بعنوان عاقله، در پرداخت دیه مقتول، مسئولیت دارد؛ در حالیکه زن هیچ مسئولیتی در این زمینه ها ندارد. اگرچه ظاهر قضیه این گونه می نماید که سهم مرد دوبرابر سهم زن است، اما در عمل بهره واقعی مرد از ثروتهای جامعه به مراتب کمتر از زن می باشد.

عمده ی فعالیتهای اقتصادی بردوش مرد گذاشته شده است و در واقع به این معنی ست که با یک نگاه کلی به وظایف اقتصادی مرد، در می یابیم که مرد دارای وظایفی است که زن از آنها معاف شده است. در حالیکه مهمترین وظیفه یک زن، اداره کانون اصلی اجتماع، یعنی خانواده، است؛ مهمترین وظیفه یک مرد، تأمین و تنظیم امور اقتصادی و معیشتی خانواده است.

توجه و دقت در همین مقوله به راحتی میتواند ذهن ما را قانع کند که دین مبین اسلام با نظریه نقش مولد بودن مرد در امر اقتصاد خانواده، بازدهی اقتصادی دوچندان مرد نسبت به زن و همچنین اذعان به این نکته که دیه مربوط به جسم انسان است؛ لذا دیه مردان بیشتر است که این موضوع به منزله والاتر بودن مرد نسبت به زن از نظر کرامت نمی باشد.

نکته حائز اهمیت دیگر، نقش امنیتی مرد در خانواده است. پُر واضح است که غالباً این مرد است که امنیت خانواده را با مصون داشتن این حریم از دست درازی متجاوزان تأمین می کند؛ پس طبعاً خسارت وارده از سوی فقدان مرد، نیاز به جبران بیشتری دارد. در مجموع می توان نتیجه گرفت که دیه مضاعف مرد نسبت به زن، به هیچ عنوان ملاکی برای سنجش ارزش وجودی زن





نقد و بررسی فیلم سینمایی خروج

هادی اسماعیلی
داندان پزشکی ۹۳

فیلم: خروج

نویسنده و کارگردان: ابراهیم حاتمی کیا

امتیاز: ☆☆☆☆

برای کسانی که سینمای ایران را بصورت جدی دنبال کنند، "خروج" ارزش تماشا کردن را دارد. "خروج" اولین فیلمی ست که بخاطر تعطیلات غیر منتظره کرونا، مجبور به پخش در شبکه ی خانگی شد.

قهرمان داستان "رحمت" با بازی درخشان فرامرز قریبیان، از نقاط قوت این فیلم محسوب می شود. کهنه سربازی با صلابت، که دوران کهن سالی خود را با کشت پنبه می گذراند.

از نکات هوشمندانه ی فیلم دستگیری جوانان و اعتراض پیر مردان ست که بسیار کنایه آمیز جلوه می کند. در واقع اعتراض، چنان با شمایل رحمت آمیخته شده که گویی قرار نیست هرگز به سرانجام برسد؛ که این ویژگی او به یاری باز ماندن انتهای فیلم، به بهترین شکل خودباقی می ماند. از این تضاد می توان این گونه دریافت کرد که گویی حاتمی کیای پا به سن گذاشته، به فیلمسازان جوان میگوید که وقتی شما چنین فیلم های اعتراضی نمیسازید، من موسیید باید قدم پیش بگذارم و دست به ساخت "خروج" بزنم. البته تعابیر دیگری هم میتوان از این تضاد پیر و جوان برداشت کرد که اینجا مجال بیانشان نیست.

به جز بخش های شروع و پایان، در سایر سکانس ها، شاهد فیلم از همه نظر متوسطی هستیم که هر لحظه بیشتر رنگ و بوی شعار را به خود می گیرد و دقیقاً همین جاست که مخاطب ارتباط خود را با داستان از دست می دهد.

۵) چرا در اسلام حق طلاق با مرد است؟

روانشناسان و محققین برخی از کشورهای پیشرفته به این نتیجه رسیده اند که اگر زنان از لحاظ تأمین هزینه های زندگی وابسته به مرد نباشند، جز در شرایطی بخصوص، شاید اصراری بر حفظ پیمان زناشویی نداشته باشند، برای مثال برخی از زنان در دوران بارداری از مرد خود متنفر می شوند و گسستن رشته زناشویی برایشان مهم اهمیتی نخواهد داشت، بعلاوه برخی از آنان در ایام قاعدگی یا شیردادن به طفل، یک نوع عصبانیت و نگرانی روحی در خود احساس میکنند

به هر حال تصمیم گیری عجولانه و رنجش زود هنگام از صفاتی اند که در خانم ها بیشتر دیده می شود و این به دلیل خلق و خوی سرشار از مهر و حجم چند برابری احساس آنها نسبت به مردان ست. در مقابل مردان به لحاظ ساختار روحی سعی دارند کارها را از طریق عقلانیت و دوراندیشی پیش ببرند. از آنجاکه منشأ بسیاری از طلاق ها بر سرمسائلی پیش پا افتاده و جزئی است و برخی بانوان بدلیل حساسیت طبیعی خود در دامن زدن به این قبیل مسائل مهارت خاصی دارند، اگر قرار بود اختیار طلاق در دست زنان باشد، آمار طلاق به مراتب بیشتر از امروز بود. با این وجود، نگرشی منصفانه به احکام اسلام،

بسیاری از شبهات و نگرانی ها را از بین خواهد برد؛ البته این مسئله نیز قابل ذکر است که دین اسلام حق طلاق را به طرفین ازدواج داده تا در صورت رضایت زوجین، ضمن ثبت در عقدنامه، به زن واگذار شود.

*ضمن آذستان بعد از مطالعه متن خوشحال میشویم نظرات، سوالات، انتقادات و حتی پیشنهادات خودتان را برای نشریه های بعدی به آیدی تلگرامی زیر بفرستید. از اینکه به ما در تقویت قلم نویسنده کمک کنید سپاس گزارم

@Fatemeh.Zare

۳) چرا در اسلام حق حضانت فرزند پس از طلاق، با مرد است؟

حضانت فرزندان در دوران خردسالی (پسرتادوسال و دختر تا هفت سال) حقّی ست برای مادر، از آن تاریخ تا سن بلوغ، حضانت برعهده پدر و پس از بلوغ، تصمیم گیری در این رابطه با خود فرزند است که با کدامشان زندگی کند. در این باره یکی از دلایل حق حضانت پدر میتواند باشد که چون نفقه فرزند بر عهده پدرش است، سرپرستی او نیز باید بر عهده پدر باشد؛ یعنی حتی زمانی که مادر در دوران کودکی حضانت فرزند را بر عهده دارد، نفقه و هزینه نگهداری او همچنان بر عهده پدر خواهد بود، همچنین اگر فرزند پس از رسیدن به سن بلوغ، زندگی با مادر را انتخاب کند ولی مادر هزینه زندگی را نداشته باشد در این صورت باز هم بر پدر واجب است هزینه زندگی فرزند را تأمین نماید.

۴) چرا در اسلام شهادت یک مرد برابری می کند با شهادت دو زن؟

از دیدگاه دین، بحث ادای شهادت، نه تنها که امتیاز محسوب نمی شود

که یک وظیفه انسانی است؛ در واقع برای جلوگیری از پایمال شدن حقوق افراد، اسلام این وظیفه را بر عهده ی انسانهایی که از موارد اختلاف بین افراد اطلاع دقیق دارند، قرار داده ست تا در حضور قاضی، ضمن بیان حقیقت به آن شهادت دهند.

پس اگر شهادت کسی در دادگاه بطور کامل پذیرفته نشود یا در کل رد شود گویای سهل تر بودن تکلیف او می باشد نه تضییع حق وی. به طور قطع تکلیف ادای شهادت با خلقت، روحیات و نقش مرد و زن، ارتباط مستقیم خواهد داشت؛ و به هیچ عنوان ارتباطی با نقص یکی و کمال دیگری ندارد زیرا در برخی موارد شهادت مخصوص زنان ست و شهادت مردان به هیچ عنوان قابل قبول نخواهد بود (اساساً مرد در آن موارد نمیتواند شاهد باشد).



آیین زندگی

فروغ انصاری نیک

پرستاری ۹۶

برای پولدار شدن چه باید کرد؟!

● درآمد: هیچگاه روی یک درآمد تکیه نکنید، برای ایجاد منبع دوم درآمد سرمایه‌گذاری کنید.

✓ خرج: اگر چیزهایی را بخرید که نیاز ندارید، بزودی مجبور خواهید شد چیزهایی را بفروشید که به آنها نیاز دارید.

● پس انداز: آنچه که بعد از خرج کردن می‌ماند را پس انداز نکنید، آنچه را که بعد از پس انداز کردن می‌ماند خرج کنید.

✓ ریسک: هرگز عمق یک رودخانه را با هر دو پا آزمایش نکنید: به عبارتی در پذیرش خطرهای اقتصادی و تجاری بی‌مهابا عمل نکنید.

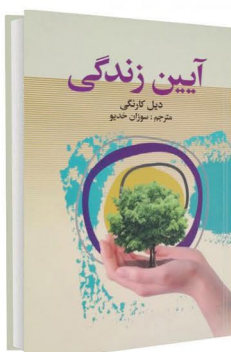
● سرمایه‌گذاری: همه تخم مرغ‌ها را در یک سبد قرار ندهید: یعنی در تجارت و اقتصاد هیچ وقت تمام سرمایه و یا دارایی خود را در یک فعالیت سرمایه‌گذاری و متمرکز نکنید.

▲ تفاوتی که این کتاب با دیگر کتاب‌های مشابه اش دارد، در عملی بودن و سادگی کلام آن است؛ چراکه "دیل کارنگی" در نوشتن این کتاب، برای بیان اصول موفقیت به هیچ عنوان از آخرین متدهای تئوریکال بهره نبرده است. درواقع کتاب‌های او، چکیده‌ای از تجربیات عملی زندگی صدها نفر از بزرگ‌ترین و موفق‌ترین انسان‌های روی زمین است.

"دیل کارنگی" با معرفی جنبه‌های مختلف زندگی افراد موفق، از شکسپیر گرفته تا حافظ شیرازی، از چارلز دیکنز تا تئودور روزولت، راهکارهایی کاربردی، برای داشتن زندگی با کم‌ترین نگرانی و دغدغه مشکل ارائه کرده است.

کتاب آیین زندگی اثر ماندگار دیل کارنگی از جمله کتاب‌هایی است که اکثر روانشناسان و حتی مردم عادی آن را می‌شناسند که شاید مهم‌ترین دلیل آن کلام گیرا و کاربردی آن است.

✓ خواندن این کتاب ارزشمند را به همه شما عزیزان توصیه می‌کنم.



حوادث داستان برگرفته از مسائلی دم دستی و معمول می‌باشد. شخصیت‌های فرعی، برخلاف کشاورزان واقعی که اغلب سرشار از حس شوخ طبعی هستند، فاقد هرگونه حس طنز و بار دراماتیک می‌باشند و رفتار آنها بسیار تصنعی جلوه می‌کند. از آنجا که در فیلم اثری از زندگی و خانه‌ی کشاورزها دیده نمی‌شود، ملموس شدن شخصیت‌ها برای بیننده دشوارتر خواهد شد. متأسفانه، فیلمساز با نادیده گرفتن و عبور از بسیاری از جزئیات مهم از داستان، فیلمی بسیار نمادین ساخته است.

در مجموع با وجود این ضعف‌ها، انتخاب چنین موضوعی که چندان هم بی‌حاشیه نبود، قابل تحسین است. ضمن اینکه نمی‌توان از تلاش‌های انجام شده برای ساخت و به نمایش درآوردن صحنه‌هایی همچون مزرعه‌ی پنبه و سفر گروهی با تراکتورها چشم‌پوشی کرد.

صنعت کشاورزی سال‌هاست که با زندگی ما پیوند خورده و این در حالی است که متأسفانه تا به حال آنطور که باید و شاید، در سینمای ایران دیده نشده است، چه برسد به آن که قهرمان داستان از این صنف زحمتکش هم باشد؛ که البته "خروج" با معرفی قهرمانی از میان کشاورزان به نوعی حرکتی بدیع خلق کرده است. در واقع کشاورزی که بعنوان قهرمان به ما معرفی میشود به رسم عادت، زیر بار حرف زور نمی‌رود و خواسته‌ی برحق خود را تا آخر دنبال می‌کند از این جهت که می‌تواند به فیلمسازان جوان ایده‌های جدیدی بدهد و جسارتی که آنها را به پرده‌ی سینما بیاورند. که البته این انتخاب بسیار مهم است

